

زن میانسالی با همدستی دوست اینترنتی اش، شوهرش را به قتل رساند

زن میانسال که با همدستی دوست اینترنتی اش پس از ریختن دارو در دمنوش شوهرش او را به قتل رسانده بود، بعد از دو سال به جنایتش اعتراف کرد.

پاییز سال 1400، مرد میانسالی به نام شهاب به یکی از بیمارستان‌های تهران منتقل شد اما ساعاتی بعد جانش را از دست داد. با توجه به اینکه مرد میانسال سابقه بیماری داشت و هر چند روز یکبار برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شد، مرگ او مشکوک به نظر رسید.

مادر شهاب گفت: حدود یک هفته در خانه پسرم میهمان بودم. در این چند روز مدام حالش بد می‌شد و او را به بیمارستان می‌بردیم. دکترها هم بیماری اش را تشخیص نمی‌دادند تا اینکه شب حادثه حال پسرم خیلی بد شد و در نهایت هم فوت کرد.

با توجه به سابقه بیماری مرد میانسال و از آنجایی که خانواده او شکایتی نداشتند، جواز دفن شهاب صادر شد و مرد میانسال در زادگاهش در یکی از شهرهای غربی کشور دفن شد. دو سال بعد

چند روز قبل، زمانی که مادر شهاب برای دیدن نوه هایش به خانه پسرش رفته بود، زن همسایه او را صدا کرد و گفت: خیلی وقت است که می‌خواهم موضوعی را با شما در میان بگذارم. مدتی است که مرد جوانی به خانه عروستان رفت و آمد می‌کند. چون در زمان زنده بودن پسرستان این مرد را ندیده بودم یک بار از عروستان پرسیدم این مرد کیست که دستپاچه شد و گفت برادر ناتنی اش است اما مدتی بعد انگار که فراموش کرده بود، به من گفت این مرد داییش است. اما وقتی من از بچه‌ها پرسیدم گفتند از آشنایان مادرشان است. من از عروستان پرسیدم چرا در زمان زنده بودن شوهرت این مرد به خانه شما نمی‌آمد، گفت با شهاب مشکل داشته و شوهرم اجازه نمی‌داد به خانه ما بیاید. اما راستش را بخواهید رفتارشان با هم خیلی مشکوک است چون می‌دانم خیلی نگران آینده نوه هایتان هستم خواستم شما را در جریان بگذارم.

صحبت‌های زن همسایه باعث شد مادر بزرگ به موضوع مشکوک شده و پلیس

را در جریان بگذارد.

نیش قبر

به دنبال اظهارات این زن و اعلام ماجرا به بازپرس محمد جواد شفیعی، وی با صدور دستور تحقیق در این پرونده از کارآگاهان خواست نخست درباره هویت و نسبت مرد ناشناس با این خانواده تحقیق کنند، همچنین دستور نیش قبر شهاب برای مشخص شدن علت اصلی مرگ را صادر کرد. کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت نیز بلافاصله تحقیقات نامحسوس را آغاز کرده و در بررسی‌ها مشخص شد مرد جوان امیر نام دارد و کابینت ساز است و هیچ نسبت فAMILI با همسر شهاب ندارد. در گام بعدی، نیش قبر شهاب انجام شد و با انجام آزمایش‌ها از سوی متخصصان پزشکی قانونی، علت مرگ وی مسمومیت دارویی طولانی مدت اعلام شد.

اثبات جنایت

با کنار هم قرار دادن مدارک و شواهدی که در تحقیقات به دست آمد، پازل قتل شهاب کامل و احتمال دست داشتن همسر مقتول و امیر در این جنایت پررنگ شد. به دستور بازپرس جنایی زن میانسال و مرد کابینت ساز برای ادای توضیح، جلب شدند. همسر شهاب که در تحقیقات اولیه منکر جنایت بود در مواجهه با مدارک پلیسی سرانجام به قتل شوهرش با همدستی امیر اعتراف کرد. با اعتراف متهم دوم نیز به دستور بازپرس شعبه پنجم دادرسی امور جنایی تهران، زن میانسال به اتهام مباشرت در قتل عمدی و امیر به اتهام معاونت در جنایت بازداشت شدند.

پاجور رسمی سازمان نظام روانشناسی و مشاوره
Halekhoob5846@yahoo.com

مدیر مرکز مشاوره **حال خوب**

مشاوره:

(ازدواج، طلاق، خانواده، تحصیلی، کودک و نوجوان)

درمان:

(اضطراب، افسردگی، وسواس و ...)

روان سنجی:

(تست هوش، شخصیت و استعداد)

دکتر کبری درویش پور

متخصص روانشناسی و مدرس دانشگاه

با تعیین وقت قبلی

☎ ۰۹۱۰ ۲۹۰ ۴۷۵۸

☎ ۰۲۸ ۳۳۶۷ ۲۷۵۰

قزوین، خیابان شهید بابایی
مقابل دادگستری قزوین

آشنایی اینترنتی

زن میانسال که تصور نمی‌کرد بعد از دو سال، راز جنایت هولناکش

برملا شود، درباره این ماجرا گفت: با شهاب از سالها قبل اختلاف داشتم، مرا اذیت می‌کرد و از رفتارهایش خسته شده بودم. اوایل با خودم می‌گفتم بالاخره خوب می‌شود و دست از کارها و رفتارهای بدش برمیدارد اما با گذشت زمان بدتر شد و دیگر حرمتی بین ما باقی نمانده بود.

با امیر چطور آشنا شدی؟

در فضای مجازی، برای اینکه از رفتارهای شوهرم فرار کنم و کمی سرم گرم شود خودم را در اینستاگرام و تلگرام مشغول می‌کردم، او یکی از دنبال‌کننده‌هایم بود و کم کم با هم دوست شدیم. برای او از سختی‌های زندگی‌ام گفتم و بعد از مدتی درددل صمیمی‌تر شدیم، بعد به او گفتم که می‌خواهم از شر شوهرم خلاص شوم.

نقشه قتل را تو کشیدی؟

نه، امیر گفت راهی بلد است که کسی به من شک نکند. دارویی داد و گفت داخل [دمنوش](#) و چای شوهرت بریز. می‌گفت این دارو کم‌کم جان همسرت را می‌گیرد. دارو را پنهانی داخل دمنوش مریختم و شهاب هم روز به روز حالش بد می‌شد، هر بار به بیمارستان مراجعه می‌کرد دکترها متوجه بیماری‌اش نمی‌شدند و کم کم میزان دارو را بیشتر کردم.

یک هفته‌ای بود که مادر شوهرم به خانه‌مان آمده بود و در این یک هفته دوز دارو را بیشتر کردم و به بهانه اینکه دمنوش و چای برای بیماری‌اش خوب است روزی چهار تا پنج بار این دارو را داخل دمنوش مریختم و شهاب هم حالش بدتر می‌شد. تا اینکه شب حادثه حالش وخیم شد و در نهایت هم بعد از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داد.

بعد از مرگ شهاب چه تصمیمی داشتی؟

من و امیر می‌خواستیم با هم ازدواج کنیم. از مرگ شهاب یک سالی که گذشت رفت و آمد او به خانه ما علنی شد اما لو رفتیم و راز این جنایت برملا شد.